

عنوان: رعایت حرمت ایام محرمه یکی از طرق رسیدن به استخلاص و استقلال آئین نازنین

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
 - ۲- آیاتی از کتاب اقدس
 - ۳- بیان مبارک حضرت عبدالبهاء
- قسمت اداری
- ۴- ایام محرمه فرصتی برای انعقاد اساس امور عام المنفعه
 - ۵- از بیانات بیت العدل اعظم الهی
 - ۶- رعایت حرمت ایام محرمه یکی از طرق رسیدن به استقلال آئین نازنین
 - ۷- هدایاتی در خصوص ایام محرمه
 - ۸- یک شاهد تاریخی
 - ۹- شور و مشورت
 - ۱۰- یاد یار مهربان (ویژه نامه صعود جناب فتح اعظم)

قسمت اجتماعی

- ۱۱ برنامه نونهالان و نوجوانان
- ۱۲ تنفس و پذیرائی
- ۱۳ مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

هُوَ اللَّهُ

ای یزدان من این حقایق نورانیّه نجوم بازغه افق هدایتند و جوهشان را در ملکوت احدیت روشن فرما و اشجار بوستان انجذاب و استقامتند به فیض و ریزش باران عنایت در هر دمی تازه و زنده و پر طراوت و لطافت فرما سُرُجِ عرفانند در انجمن عالم روشن کن و فارسان میدان ثبوت و رسوخند به جنود ملکوت ابهی تأیید کن تشنگان بادیه اشتیاقند بر ساحل بحر الطاف وارد کن درهر دمی نصرتی فرما و در هر نفسی روحی بدم از نسیم حدیقه عنایت قلوبشان را روح و ریحان بخش و از شمیم موهبت مشامشان را معطر فرما توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و مهربان . ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۴۰۲

۲- آیاتی از کتاب اقدس

" يَا مَلَأَ الْأَرْضِ اعْلَمُوا أَنَّ أَوَامِرِي سُرُجُ عِنَايَتِي بَيْنَ عِبَادِي وَ مَفَاتِيحُ رَحْمَتِي لِبِرِّيْتِي كَذَلِكَ نَزَّلَ

الْأَمْرُ مَنْ سَمَاءٍ مَشِيئَةٍ رَبِّكُمْ مَالِكُ الْأَدْيَانِ لَوْ يَجِدُ أَحَدًا حَلَاوَةَ الْبَيَانِ الَّذِي ظَهَرَ مَنْ فَمِ مَشِيئَةِ الرَّحْمَنِ

لِيُنْفِقُ مَا عِنْدَهُ وَلَوْ يَكُونُ خَزَائِنَ الْأَرْضِ كُلِّهَا لِيُثْبِتَ أَمْرًا مِنْ أَوَامِرِهِ الْمُشْرِقَةَ مِنْ أَفْقِ الْعِنَايَةِ وَالْأَلطَافِ. (K 3)

کتاب مستطاب اقدس)

" قُلْ مِنْ حُدُودِي يَمُرُّ عَرَفٌ قَمِيصِي وَبِهَا تَنْصَبُ أَعْلَامُ النَّصْرِ عَلَى الْقُنَنِ وَ الْأَتَالِ . قَدْ تَكَلَّمْ

لِسَانُ قُدْرَتِي فِي جَبْرُوتِ عَظَمَتِي مُخَاطِبًا لِبِرِّيْتِي أَنْ اعْمَلُوا حُدُودِي حُبًّا لِحِمَالِي طُوبَى لِحَبِيبٍ وَجَدَ عَرَفَ

الْمَحْبُوبِ مِنْ هَذِهِ الْكَلِمَةِ الَّتِي فَاحَتْ مِنْهَا نَفَحَاتُ الْفَصْلِ عَلَى شَأْنٍ لَأَتُوصَفُ بِالْأَذْكَارِ . لَعَمْرِي مَنْ شَرِبَ رَحِيقَ

الْأَنْصَافِ مِنْ آيَادِي الْأَلطَافِ إِنَّهُ يَطُوفُ حَوْلَ أَوَامِرِي الْمُشْرِقَةَ مِنْ أَفْقِ الْإِبْدَاعِ. (K 4)

(کتاب مستطاب اقدس)

۳- بیان مبارک حضرت عبدالیهما

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

"در ایام سنه نه روز اشتغال به شغلی فی الحقیقه جائز نه . بعضی به نصوص الهیّه و بعضی قیاس به آن ... و واجب ایّامی است که تعلق به جمال ابھی ونقطه اولی دارد یعنی این نه روز اشتغال به کسب و تجارت و صناعت و زراعت جائز نه و همچنین اجرای مقتضای مناصب و وظائف یعنی اجرای خدمت حکومت."

گلزار تعالیم بهائی ص ۳۳۸

۵- بیت العدل اعظم می فرمایند:

اهل بهاء نه تنها لازم است از کار در ایام محرمه خودداری کنند بلکه در این ایام کلیه فروشگاه ها و مؤسسات تحت مالکیت آنان نیز باید بسته شود...

انوار هدایت ش ۱۰۲۰

و نیز:

حضرت ولی محبوب امرالله این نکته را کاملاً روشن فرموده اند که زمان توقف کار در نه روز ایام محرمه، امری است جهت اطاعت وجدانی هر فرد بهائی در مورد امور تجاری و سایر فعالیتها و تعهداتی که تماماً جهت نظارت و کنترل بهائی است، آنها نیز لازم است در خلال ایام محرمه امری تعطیل شوند؛ حتی اگر در زمره کارکنان و کارمندان آنها، نفوس غیر بهائی نیز حضور داشته باشند.

انوار هدایت ش ۱۰۲۱

۴- ایام محرمه فرصتی برای انعقاد اساس امور عام المنفعه

هر ملتی دارای یومی است که به عنوان یوم تعطیل در آن جشن و شادمانی بر پا کنند. در شرایع مقدسه الهیه در هر عصری و دوری جشنهای مبارکه و تعطیلات معینه و ایام مخصوصه موجود است. در چنین ایامی همه انواع مشاغل مانند تجارت، صنعت و فلاح و غیره، غیر مجاز است. هر فعالیت غیر قانونی است. همه باید از فرصت استفاده کنند، تشکیل اجتماع دهند؛ جلسات عمومی برپا کنند و محفل واحد بیارایند؛ به نحوی که وحدت و اتحاد و هماهنگی ملی در انظار کل متجلی گردد. چون که در این یوم، یوم مبارکی است لهذا از آن غافل نمی شوند و ممکن نیست با تبدیل به یومی محدود و منحصر به لذات و ثمرات صرفاً ظاهری و مادی، بی ثمر و نتیجه ماند. در خلال این ایام مبارکه، باید مؤسساتی تأسیس گردد که سبب خیر و برکت دائمی برای امت باشد به طوری که در مکالمات جاریه و مطالب تاریخیه مشهور عموم گردد که در چنین یوم مبارکی چنان عمل خیری شروع شد. لهذا نفوس دانا و خردمند باید به تحقیق و تحری حقیقت پردازند تا معلوم شود که چه امور مهمه ای و چه مؤسسات خیریه ای بیشتر مورد نیاز است و چه اساسی باید برای جامعه در آن روز مخصوص نهاده شود که استقرار و استحکام یابد...

در همه ادوار مظاهر الهیه، امور عام المنفعه و نودوستانه، فقط منحصر به یک ملت بوده، به استثنای بعضی امور جزئییه مثل صدقات و خیرات که مجاز بود به سایرین هم تسری یابد؛ اما در این دور عظیم، امور نودوستانه برای کل عالم انسانی است بدون استثناء؛ زیرا این ظهور، مظهر رحمانیت الهی است. لهذا هر امر عمومی یعنی امریکه متعلق به کل عالم انسانی است، الهی است و هر امری که جزئی و خصوصی است خصلتاً عمومی نیست یعنی محدود است. بنا براین آرزوی من این است که احبای الهی هر کدام برای کل بشر رحمت پروردگار گردند.

انوار هدایت شماره ۱۰۳۰

۶- رعایت حرمت ایام محرمه یکی از طرق رسیدن به استخلاص و استقلال آئین نازنین

چنانچه آن امناء امرالله و احبا عزیز الهی در کشور مقدس ایران به خوبی واقف و آگاهند حفظ حرمت ایام متبرکه بهائی و توقف کار و تعطیل معاهد امریه و مؤسسات متعلق به پیروان اسم اعظم در ایام تسعه مذکوره از جمله مسائل مهمه ضروریه است که رعایتش در نهایت شدت و به کمال صمیمیت و شجاعت و استقامت بر افراد جامعه منوره بهائیان ایران من دون استثناء واجب و لازم. اهمال و تکاهل و تردید و تکاسل در این وظیفه عظیمه روحانیه باعث بروز نتایج وخیمه گردد و حصول عزت و سعادت ظاهره جامعه اهل بها را در آن اقلیم به تأخیر اندازد و دشمنان دیرین را امیدوار و متجاسر و مسرور سازد و بهائیان عزیز را که بر اثر مجاهدات خارق العاده اسلاف شجیع و جان نثار به شجاعت و استقامت و تمسک به مبادی روحانیه خویش مشهور آفاقند به جبن و سست عنصری متهم دارد و زحمات قدیمه را به هدر دهد. ملاحظه فرمائید حضرت ولی عزیز امرالله با چه تأکید و صراحتی استخلاص و استقلال آئین نازنین را از جمله موکول و منوط به رعایت حرمت ایام محرمه بهائی شمرده و یاران را تشویق و تحریض بل انذار و تحذیر فرموده اند قوله عز بیانہ: "مشروعات مستقله امریه چه رسمی و چه غیر رسمی باید من دون استثناء متمسک به حدود الله و مروج اصول شریعه الله باشند. تأسیسات مستقله ادبی و علمی و تجاری بهائیان در ایران باید کل من دون استثناء تنفیذ حکم کتاب الله را نمایند و در اجرای شعائر امریه و احترام نوامیس الهیه و اعلاء شأن و عزت جامعه بر افراد سبقت جویند و مصالح شخصیه و منافع مادیه و عزت ظاهره را فدای مصالح امرالله و مقتضیات دین الله و احتیاجات ضروریه شریعه الله نمایند؛ این است مایه سعادت حقیقی یاران و علت اصلی تقدّم و استخلاص و استقلال آئین حضرت یزدان در آن سامان."

پیام بیت العدل اعظم ۹ فوریه ۱۹۶۵

۷-هدایاتی در خصوص ایام محرمه

الف -اطاعت از احکام وسیله ای برای امتحان مؤمنین

بیت العدل اعظم می فرماید:

اطاعت از احکام حضرت بهاءالله الزاماً شدائدی برای اشخاص در بر خواهد داشت. هیچ فرد بهائی نمی تواند انتظار داشته باشد که مورد امتحان واقع نشود؛ و با توجه به ادراک محدود ما از این موضوعات این امتحانات گاهی غیر قابل تحمل به نظر می رسند. اما بر طبق وعده های حضرت بهاءالله، ما اطمینان داریم هرگز هیچکس در معرض امتحانی فوق طاقت خود نخواهد بود.

انوار هدایت ش ۱۱۴۴

ب-وظیفه مستخدمین و موظفین بهائی در ایام محرمه

مستخدمین و موظفین بهائی چه وضع و چه شریف طبق هدایات عالیه حضرت ولی عزیز امرالله باید به نام تعطیل بهائی از رؤسای مسئول خویش رخصت گیرند. اگر تقاضا ایشان پس از مجاهدت و استقامت لازم قبول نشد آن وقت اطاعتاً و اضطراراً می توانند به کار معهود خویش با وجدانی آسوده ادامه دهند. مقصود این است که احبا باید در این راه کاملاً به ذیل صداقت و صراحت تشبث جویند و به نام تعطیل مذهبی بهائی تقاضای مرخصی در ایام مخصوصه فرمایند نه به عناوین دیگر.

پیام بیت العدل اعظم ۹ فوریه ۱۹۶۵

ج-تساهل و تسامح در این امر سبب جرأت و جسارت معاندین گردد

بهائینی که مستقلاً صاحب مؤسساتی هستند البته من دون استثناء باید در ایام مبارکه از ادامه کار بپرهیزند و رعایت تعطیلات امریه را باعث افتخار و مزید برکت و نشان عبودیت خویش شمارند و یقین دانند که تساهل و تسامح در این امور بفرموده مبارک حضرت ولی محبوب امرالله سبب گردد که جرأت و جسارت دشمنان تزاید یابد و دائره تضییقات و تعدّیات وسیعتر گردد و حوادث مؤلمه مخفیة رخ نماید و آن چه آمال و مآرب یاران الهی است و مقصد اصلی این عبد است تحقق نپذیرد و بی اثر و ثمر ماند.

پیام بیت العدل اعظم ۹ فوریه ۱۹۶۵

چ- احباء عزیز باید در اجرای فرائض روحانیه خویش بر یکدیگر سبقت جویند

در جمیع موارد یاران باید امور شخصی خویش را به نحوی تنظیم کنند تا هرگز خللی بر اجراء ما فَرَضَ عَلَیْهِمْ فی کتاب الله وارد نسازد و قبل از شروع به هر کاری کاملاً بسنجند و مطالعه نمایند که مبدا بعداً در اجراء فرائض روحانیه مشکلاتی بر ایشان به وجود آید که هم باعث تخفیف مقام و شأن جامعه بهائی شود و هم معاذ الله نفس ایشان را به سست عنصری و خیانت به مصالح امریه متهم دارد و تأیید را سلب و تحقق وعود الهیه را معوق سازد. احباء عزیز باید در اجرای فرائض روحانیه خویش بر یکدیگر سبقت جویند نه آن که چون بعضی از مدعیان ادیان سالفه مفرّی شرعی جویند به زعم باطل خویش از اصول و مبادی دینی به نحوی بگریزند و خود را بفریبند.

پیام بیت العدل اعظم ۹ فوریه ۱۹۶۵

۸- یک شاهد تاریخی

اما چگونه شد که با آن همه سابقه تحسین و تقدیر که از طرف مقامات عالی‌تر وزارت معارف وقت برای خدمت گزاران این مدرسه کتباً و شفهاً صادر و ابلاغ می شده است یک دفعه این مدرسه و سایر مدارس ایران را بسته اند، امریست که وقوع آن تا حال برای این بنده نگارنده روشن نشده است. تصریح بر این شد که روز ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۳ ش. (مصادف با تقویم قمری ۲۸ شعبان ۱۳۵۳ ق) که مصادف با یادبود شهادت حضرت رب اعلی بوده است؛ اولیای مدرسه به منظور اجرای نصوص قاطعه الهیه و وظائف دینی خود که ذره ای انحراف از آنها برای هیچ فرد بهائی میسر نیست، مدرسه را که یک مؤسسه کاملاً متعلق به جامعه بهائی بوده است، تعطیل کرده اند و این تعطیل موجب مؤاخذه مقامات وزارت فرهنگ واقع شده و امر به تعطیل کلی و بستن آن نموده اند. اینک برای اینکه این موضوع روشنتر شود، یادداشتی را که متصاعد الی الله جناب عباس محمودی از مبلغین و ناشرین امرالله و رئیس وقت مدرسه «وحدت بشر» کاشان در موقع بستن مدرسه مذکور نگاشته و در شرح حال ایشان در جلد ۹ مصابیح هدایت آمده در اینجا به شرح زیر مذکور می گردد: "... چون روز پنجشنبه ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۳ که یوم شهادت حضرت اعلی ارواحنا فداه بود مدرسه وحدت بشر را تعطیل نمودیم و روز ۱۷ آذر، اداره معارف کاشان علت تعطیل را کتباً سؤال نمود و جواب داده شد که چون مدرسه از تأسیسات بهائیان است و در امر بهائی در سال نه روز اشتغال به امور حرام است و روز پنجشنبه روز شهادت حضرت باب، لهذا مدرسه تعطیل شده است. روز پنجشنبه ۲۳ آذر قبل از ظهر رؤسای شهربانی و فرهنگ با چند نفر پاسبان وارد مدرسه شده و شروع به داد و فریاد نمودند که اطفال را از مدرسه خارج و مدرسه را ببندید. اطفال دور رؤسا را گرفته و هر کس سؤالی می نمود و رئیس شهربانی هم با تغییر فریاد می کرد که بروید بروید. فانی گفتم آقای رئیس بستن مدرسه پاسبان و دسته کشی و هیاهو لازم نداشته و ندارد. رئیس فرهنگ تنها می آمد و یا نامه می نوشت که مدرسه را ببندید فوراً اطاعت می شد..." توضیح آن که روز شهادت حضرت اعلی که در یادداشت بالا اشاره شده است یکی از نه یومی است که در این نه روز کار نهی شده است... این حرمت اشتغال به کار در روزی از ایام سال در جمیع کتب مقدسه از طرف شارعین و مفسرین برای متابعتین، منصوص؛ و یا اشاره شده است که در یومی از ایام به واسطه ظهور امری بزرگ کار به طور اعم نهی شده و پیروان را در آن روز عزیز از هر گونه اشتغال به امور غیر روحانی منع فرموده اند. مثلاً آیا ممکن است مسلمان (شیعه اثنی عشری) معتقدی در یوم شهادت حضرت سید الشهداء روح الوجود لشهاده الفدا به کار پردازد و خود را آلوده به امور دنیائی نماید؟ البته هر مسلمان با وفائی که بدان حضرت عشق می ورزد و ولای او را در دل دارد از هر کار بزرگی چشم می پوشد و به عزای حسین بی علی می پردازد و بدین گونه یوم شهادت حضرت رب اعلی که در روز ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ ه ق در تبریز به دار آویخته شد و هزاران گلوله بر سینه مبارکش زدند برای پیروان آئین بهائی روزی رهیب و رستخیزی عظیم است و طبق نصوص الهی بر هر فرد بهائی لازم است که دست از کار بکشد و بیاد مولای عزیزش بنشیند.

تاریخچه مدرسه تربیت بنین صص ۱۳۸ الی ۱۴۱

۱۰- یاد یار مهربان

۱- پیام بیت العدل اعظم الهی

۲- گزیده ای از سخنان جناب نخجوانی

۳- سروده جناب فتح اعظم

۴- مناجات

پیام بیت العدل اعظم الهی به مناسبت صعود جناب فتح اعظم

ترجمه‌ای از پیام

بیت العدل اعظم

۱۴ اوت ۲۰۱۳

کلیه محافل روحانی ملی ملاحظه نمایند

با قلبی عمیقاً محزون خبر صعود همکار عزیز، محبوب و فوق‌العاده محترم سابق، هوشمند فتح اعظم، را دریافت کردیم. لطافت روح، عرفان عمیق، تواضع بزرگوارانه، و مجهودات خستگی‌ناپذیر از جمله صفات بارز خدمات بسیار ارزشمندی است که در طول دهه‌های متمادی، اعم از چهل سال عضویت بیت‌العدل اعظم از سال ۱۹۶۳، یا در مقام منشی محفل روحانی ملی هندوستان، یا مهاجری مشتعل و مشتاق، حامی مشتاق تبلیغ دسته جمعی، و مؤلفی مُلهم تقدیم نمود. در عزم جزم او در دفاع از جامعه اسم اعظم ادنی تزلزلی راه نمی‌یافت و در قوه اراده خلل‌ناپذیرش در مواجهه با شدايد و ناملايمات نقصانی حاصل نمی‌شد. موهوب به فصاحت و بلاغت در نظم و نثر فارسی، میراثی مرغوب با استفاده از قوه لسان مزبور در خدمت به امر مبارک از خود به جای گذاشت. جدا از سوابق برجسته و ممتاز مجهودات خالصانه در سبیل امر جمال مبارک، به علت سجایای عالیة عدیده شخصیه، طبع مزاح‌آمیز مسرت بخش، و قلب مشحون از محبت و نورانیت که محبتی جامع و شامل از آن ساطع بود، در خاطرهای باقی و جاودان خواهد ماند. همسر عزیزش، شفیقه، و پسران سوگوار و دیگر اعضاء عائله را از اعماق قلب تسلیت می‌گوییم و آنها را به ادعیه مشتاقانه در اعتاب مقدسه جهت وصول روح نورانی‌اش به مواهب موفوره در ملکوت ابهی اطمینان می‌دهیم. از احبای الهی در سراسر عالم تقاضا می‌شود جلسات تذکر شایسته به افتخار ایشان منعقد نمایند، از جمله مجالس یادبود مناسب در کلیه مشارق اذکار برگزار شود.

بیت العدل اعظم

توصیف خدمات ایشان از لسان جناب نخجوانی

صعود هوشمند فتح اعظم عزیز خسرانی جبران ناپذیر است. خسرانی است نه تنها برای حلقهٔ بلافصل خانوادهٔ محبوبش، نه تنها برای معاشین و مؤانسین نزدیکش و جامعهٔ بهائی کانادا، بلکه برای عالم تحقیق و فضیلت ادبی. از دست دادن دردناک صفات و سجایایی است که ایشان به بهترین وجه مظهر و نمونهٔ آن بودند: علؤ طبع و تواضع، صداقت و نجابت، که تمامی آنها با ذوق نادر، دوست داشتنی و بی نظیر مزاح، و مسرتی عمیق و دائمی در زندگی در هم آمیخته بود.

زمانی که در طهران هنوز جوان بودیم، و ایشان هفده ساله و من اندکی بزرگتر بودم، با هم آشنا شدیم. در آن زمان نیروی انسانی مورد نیاز جامعهٔ بهائی عراق بود و صلاحی درخواست حمایت از جامعهٔ بهائی ایران بلند شد. وقتی هوشمند دیگر در کلاسهای امری حضور نیافت، به تفحص و تجسس پرداختم و دریافتم که این مرد جوان کشور را ترک کرده و با موافقت والدین بسیار عزیزش، در میدان جدید خدمت به همکاران بزرگسالتر خود پیوسته است. البته در زمرهٔ داوطلبان، جوانان هم سن او نیز حضور داشتند، اما هوشمند این تصمیم را به تنهایی اتخاذ کرد: او بدون همراهی خانواده و به اتکای خویش عزیمت کرد. وقتی چندی بعد همراه با دیگر مهاجرین به وطن بازگشت، محرومیت‌های بسیار، نومیدی‌ها و بداقبالی‌های زیادی را تحمل کرده، اما در اخلاص قویتر، در محبت امرالله ثابت قدم تر، و در میثاق مقدس الهی راسخ تر شده بود.

این ابتدای شاهکارها و کارهای بزرگ هوشمند در خدمت به امرالله بود. او بلافاصله بعد از مراجعت، به طور جدی و با تمام وجود به مطالعهٔ تعالیم الهی پرداخت که سبب شد به سرعت مبانی امر مبارک را درک کند. تسلط او بر زبان فارسی و درکش از ادبیات این لسان نیز او را قادر ساخت به ترجمهٔ متون امریه و نیز آثار دیگران از انگلیسی به فارسی بپردازد. ثمرهٔ کارهای ادبی اش را بسیار عالی و برخوردار از معیاری یافتیم که دیگران به ندرت به آن دست یافته بودند؛ سبک او روان، شیوا و جذاب بود. وقتی به عضویت لجنهٔ ترجمهٔ محفل روحانی ملی ایران منصوب شد، در این زمینه گوی سبقت از همگان ربود... میدان فعالیت او منحصر به وظائف اداری تنها نبود. او یکی از سرچ درخشان در میدان تبلیغ در هندوستان بود و با شور و اشتیاق به قرار گرفتن جامعهٔ هندوستان بر روی نقشهٔ کشورهای که به اصطلاح رایج آن زمان، به تبلیغ دسته جمعی مشغولند، مساعدت نمود. در طی این دوران پرثمر بود که اولین ثمرات خلاقیت او در زبان انگلیسی را با عنوان *New Garden* (روضهٔ جدید) خواندم و از این که می‌توانستم از آن وسیلهٔ عالی برای بیان مبانی امر مبارک به نثری شفاف، روشن، ساده و روان به متحرّیان استفاده کنم به هیجان آمدم.

تا سال ۱۹۶۳، جهاد کبیر اکبر روحانی ده ساله به انتہی رسید؛ اهداف تبلیغ و توسعه حضرت ولی محبوب امرالله تحقق یافت و اولین کانونشن بین‌المللی در حیفا تشکیل شد... در این واقعه تاریخی، هوشمند محبوبمان به عنوان یکی از نُه عضو اولین بیت العدل اعظم، معهد اعلائی که انتخابش عبارت از تحقق وعده حضرت بهاءالله در کتاب اقدس بود، انتخاب شد. در کمال ایثار، اخلاص و به نحوی بارز مدت چهل سال در آن معهد خدمت کرد. من این افتخار را داشتم که در تمامی این مدت در کنار او به خدمت پردازم، شاهد از خود گذشتگی او باشم، از خلوص و صفای او بهره برم و کسب الهام نمایم، تأثیر یومیۀ تمایز و اصالت روحانی او را مشاهده نمایم. او بی مثل و نظیر بود... حیات روحانی اش، که در عنفوان شباب در تمامی آن سالهای گذشته در طهران شروع شد، ثمره جنیه نهائی اش را در میان این جوانان در کانادا به ظهور رساند. چقدر سعادت‌مند بودند آنها که کلام او را شنیدند و چقدر موهوب به عنایت الهی بود که، به اصطلاح، قائم به خدمت صعود فرمود. چقدر به حال هوشمند محبوبم غبطه میخورم که توانسته حیاتش را اینچنین صرف ترویج امرالله نماید.

میدانیم که جسم همانند ابری در جلوی خورشید روح انسانی است. در طی دوران زندگی، اشعه شمس مزبور باید از سدّ جسم عبور کند تا نور خودش را ساطع نماید. اما، وقتی این عالم ترابی را ترک میکنیم، مرگ سبب تلاشی آن ابر شود و اشعه خورشید بدون هیچ مانعی میتواند بتابد. احساس میکنم روح پرفروغ محبوب هوشمند اکنون به ما به مراتب نزدیکتر از هر زمانی است.

مناجات

هُوَ اللهُ

ای پروردگار این نفس پاک توجّه به ملکوت تو نمود و تضرّع و زاری کرد تا حال اسیر ناسوت بود حال قصد ورود در ملکوت بقا نمود و توجّه به جهان روحانی کرد و امید الطاف نامتناهی داشت ای آمرزگار گنه بیامرز و عفو و غفران مبذول داراین تشنه را به چشمهء حیات رسان و این ماهی را در بحر بی پایان غفران غوطه ده تا این طیر به گلشن رحمانی پرواز نماید و در حدائق عفو و مغفرت نامتناهی درآید توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان .

ع ع

مجموعه مناجات چاپ آلمان ص ۵۰۷

یکی از سروده های این شخص جلیل

پیک مرگ / هوشمند فتح اعظم

آید چو پیک مرگ

زیبا و دلفریب

چون مادری حزین

پُر مهر و ماهرو

گیرد مرا به بر

آماده سفر

دستش به دست من

دستم به دست او

از غار تنگ و تار

پوید به سوی نور

در انتهای غار

نوری لطیف

کز همه نورها جداست

نرمین تر از حریر

صافی تر از سحر

تابنده از مزده لقاست

بدین مزده گر

جان فشانم

رواست.